نیم نگاه

گذری بر خاطرات شیرین جلسات خانگی قرآن

غرفه «جلسه خانگی قرآن کریم» در بیست‌ونهمین نمایشگاه بین‌المللی قرآن کریم ما را به گذشته‌های نه چندان دور می‌برد تا دمی در آن بیاساییم و بیشتر با فضای قرآنی گذشته وحس وحال جلسات قرآنی آشنا شویم.

به گزارش ایکنا، بسیاری از ما خاطراتی به یادماندنی از جلسات خانگی قرآن کریم داریم که بدون هیچ تشریفاتی برگزار می‌شد و جان و روح ما را با قرآن آشنا می‌کرد؛ جلساتی که رنگ و بوی دیگری داشت و جاذبه‌ای بی آلایشی و سادگی آن‌ها بود.

این جلسات آسان‌ترین و در دسترس‌ترین روش انس با قرآن بود که هیچ محدودیتی برای حضور نداشت و با هر سبک و سیاقی تلاش می‌شد آموزش قرآن متوقف نشود. اکنون همزمان با ماه مبارک رمضان و آغاز فعالیت بیست‌ونهمین نمایشگاه بین‌المللی قرآن کریم، مؤسسات و نهادهای قرآنی بسیاری گوشیده‌اند غرفه‌های خود را به شکلی زیبا بیارایند تا نگاه بازدیدکنندگان را به خود جلب کنند. در این میان غرفه‌ای وصف‌ناپذیری به انسان می‌دهد. دورتادور حیاط تخت‌های چوبی چیده شده تا بازدیدکنندگان دمی بیاسایند و بیشتر با فضای قرآنی گذشته و حس و حال جلسات قرآنی آشنا شوند. گلدان‌های شمعدانی به رنگ صورتی و سفید روح هر رهگذری را نوازش می‌دهد و او را ترغیب می‌کند تا ساعت‌ها بنشیند و ذهنش را به سال‌هایی ببرد که جلسات قرآن خوانی در خانه‌ها برگزار می‌شد و از روزگار آیارتمان‌نشینی خبری نبود و با چه صفا و صمیمیتی در هر منطقه یا کوچه و خیابان جلسات قرآن‌خوانی برگزار می‌شد و پس از جلسه در کنار حوض آب، عطر جای با سماور زغالی می‌چسبید و خستگی را از تن می‌زدود. در خصوص خدمات و فعالیت این غرفه به سراغ حجت‌الاسلام امین شغلی، دبیر پویش ستاره‌های زمین رفتیم.

وی در ابتدا گفت: در حدیثی به نقل از پیامبر(ص) آمده است: «خانه‌ای که در آن قرآن خوانده شود برای آسمانیان آنچنان دیده می‌شود که ستارگان برای زمینیان دیده می‌شوند». این غرفه با هدف تبیین و ترویج جلسات خانگی قرآن که در دهه‌های ۶۰ و ۷۰ موجب به وجود آمدن ستاره‌های جهانی در زمینه‌های قرائت و حفظ قرآن شد راه‌اندازی شده تا به همت جوانان ۸۰ و ۹۰ باشیم. وی ادامه داد: پویش جلسات خانگی قرآن کریم برای دومین سال متوالی است که در ماه مبارک رمضان و امسال با عنوان پویش ستاره‌های زمین برگزار می‌شود. سعی کرده‌ایم مراجعه‌کنندگان را با دوره‌می قرآنی آشنا کنیم. از این رو، با ابزارهای هنری و سایر ابتکارها فضاسازی کرده‌ایم تا مراجعه‌کنندگان با فضایی نوستالژیک روبه‌رو شوند. همچنین خدمات موردنیاز برای راه‌اندازی یک جلسه خانگی قرآن به مردم عرضه می‌شود و بازدیدکنندگان با برگزاری ساده جلسه خانگی قرآن آشنا می‌شوند.

خاطرات
حضرت آیت‌الله خامنه‌ای

در جامعه، قرآن اصل است

برادران! شماها چرا قرآن را حفظ نمی‌کنید؟ شماها جوانید، والله مکرر و ۳۰ ساله و ۳۰ و زیر ۳۰ سال -که غالب قرّاء ما، بحمدالله در این سن هستند- سنین حفظ قرآن است. کلام خدا و آیات کریمه الهیه را حفظ کنید و از حفظ بخوانید.

نکته دیگری که مطرح است و من مکرر در این جلسه و خارج از این جلسه گفته‌ام، این است که آداب تلاوت مجلسی را فرا بگیرید. فرض کنید عده‌ای از این مردم و مسلمین حزب‌الله در جایی نشسته‌اند و از شماها صدا کرده‌اند بر ایشان قرآن بخوانید. باز و فکر من این است و می‌خواهم در جامعه ما کاری بشود که برای قرّاء، قرآن منبر بگذارید و همچنان که الان واعظ منبر می‌روند، قاریان قرآن هم منبر بروند و مثلاً نیم‌ساعت قرآن بخوانند و مردم آن زلال کلام الهی را مستقیم از او بشنوند و دل‌ها یشان بلرزد و اشک بریزند و موعظه بشنوند و بلند شوند و بروند؛ ولی ما حالا قرآن را فقط مقدمه سخنرانی قرار داده‌ایم! من در سال‌های ۵۱ و ۵۲ و ۵۳ در مشهد سخنرانی می‌کردم؛ می‌ایستادم سخنرانی می‌کردم، بعد هم که حرف من تمام می‌شد، روی زمین می‌نشستم. سپس صندلی می‌گذاشتیم تا قاری قرآن تلاوت کند. همین آقای فاطمی و بعضی از برادران دیگر، روی صندلی می‌نشستند و قرآن می‌خواندند. من می‌گفتم که حرف من مقدمه تلاوت قرآن است. من ایستاده صحبت می‌کردم؛ اما صندلی بلند و قشنگی -مثل منبر- گذاشته بودیم و این‌ها روی آن می‌نشستند و بعد از صحبت من قرآن می‌خواندند؛ همان آیاتی که من قبلاً تفسیر کرده بودم. فکر من این است. می‌گویم که در جامعه، قرآن اصل است. امت حزب‌الله باید بتواند بخواند و با قرآن آشنا بشوند؛ آن‌طوری که بتوانند مستقیم قرآن را از شماها گوش کنند و بفهمند. شما باید بتوانید در یک مجلس بالای منبر بروید، آیات قرآن را بخوانید و مردم با شنیدن این آیات اشک بریزند؛ ما این را می‌خواهیم، اگر شما می‌خواهید این کار را بکنید باید بتوانید با صوت خودتان این مجلس را جذب کنید. این، آداب و فنونی دارد. شما برادران باید بر حسب استعداد و طبیعت و فطرت خود و گوش کردن نوارهایی که از قرّاء، معروف می‌آید، این فنون را یاد بگیرید. البته مقداری از این‌ها تأمین شده، اما مقدار دیگرش راهم بایستی تأمین کنید.

بهترین شما کسی است که قرآن را بیاموزد و آموزش دهد.

بر شما باد رجوع به کتاب خدا (قرآن) ... کسی که به آن عمل کند از همه پیشی می گیرد.

دیدگاه

در نشست «تبیین پیام‌های دینی و ارتباطی ماه مبارک رمضان» مطرح شد

ماه رمضان مجموعه‌ای برای تنظیم ارتباطات

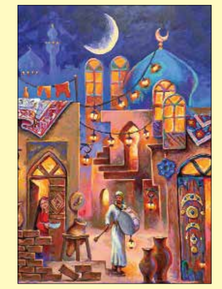

عضو هیئت علمی دانشگاه امام صادق(ع) گفت: ماه رمضان در کنار سایر عبادات و احکام، مجموعه‌ای برای تنظیم ارتباطات است و ارتباطات در این ماه دارای تنظیمات جدید می‌شوند.

به گزارش تسنیم، سومین نشست از مجموعه نشست‌های تخصصی دوشنبه‌های سوهانک که به همت دانشکده علوم اجتماعی و ارتباطات دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی و با حضور خبرنگاران، دانشجویان، استادان و محققان برگزار می‌شود با موضوع «تبیین پیام‌های دینی و ارتباطی ماه مبارک رمضان» تشکیل شد.

دکتر عبدالکریم خیامی، عضو هیئت علمی دانشگاه امام صادق(ع) در این نشست گفت: در جامعه‌شناسی انتقادی و مطالعات فرهنگی اصطلاحی به نام طبیعی شدگی داریم که درباره آن دست از اعتقادات و رفتارهایی است که از سوی یک جمع یا اجتماع بدیهی انگاشته می‌شود و کسی درباره آن‌ها ابهام یا سؤالی ندارد و موضوع واضح و پذیرفته شده است. یکی از آثار ماه رمضان این است که برخی از این مسلمات مکرر که در زندگی ما تکرار می‌شوند و کسی از آن‌ها پرسشی ندارد را برهم می‌زند و ثواب یک آیه برابر با ختم کل قرآن است. مشکل بشریت امروز دور بودن از مفاهیم قرآن و بیراهه‌ها و مشکلات جهان در دور بودن از معارف قرآن است، اما ماه رمضان می‌تواند این دور بودن از معنویات را جبران کند.

مسئول نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری دانشگاه آزاد استان تهران گفت: پیام دوم در رابطه با خداشناسی، مناجات و ادعیه است. دعا و مناجات، قرآن صاعد است و همین ادعیه و مناجات ارتباط با مبدأ هستی و عالم وجود را فراهم می‌سازد. ما در زندگی نیازمند ارتباط با خدا هستیم که این ارتباط از طریق ادعیه و مناجات ممکن می‌شود. دعای سحر، دعای ابوحمزه و... از جمله این ادعیه هستند که انس با این‌ها نوعی پیام اعتقادی است.

جلیلی ادامه داد: در بحث اعتقادی تمرین بندگی بسیار مهم است و انسان باید با استفاده از معارف، هدف خود که رسیدن به بندگی و عبودیت است را بشناسد و از اسارت مادیات و شیطان نجات پیدا کند و به مقام عبودیت خداوند برسد. برای رسیدن به این مقام همه عمر فرصت داریم اما ماه رمضان فرصتی بسیار مناسب برای این امر است.

وی بیان کرد: در بحث راه‌شناسی نیز رمضان پیام ارتباط با ولی و امام را گسترش می‌دهد که بارزترین مصداق این امر، اعمال شب قدر است.

مسئول نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری دانشگاه آزاد استان تهران ادامه داد: در بخش پیام اخلاقی، اخلاق دو بخش رذائل و فضائل اخلاقی دارد که یکی از مهم‌ترین پیام‌های اخلاقی رمضان موضوع صبر است. خداوند در قرآن یکی از ویژگی‌های انسان عابد را صبر عنوان کرده و می‌گوید بندگان رحمان به مقام بالا نمی‌رسند مگر با صبر و تحمل مشکلات.

جلیلی توضیح داد: در معارف دینی صبر به معنی حرکت و تحمل مشکلات و رفع موانع است، ماه رمضان قوت صبر انسان را بالا می‌برد.

وی گفت: ویژگی دیگر، بحث اخلاص است. بستر اخلاص در رمضان بیشتر مهیاست و می‌تواند تمرینی برای رشد اخلاص در انسان باشد و اعمال او را به سمتی ببرد که همواره همراه با اخلاص و با هدف رسیدن به قرب الهی باشد. دیگر پیام رمضان، سکوت است؛ پرحرفی خوب نیست و سکوت، تفکر را به همراه دارد و رسیدن به مقامات معنوی بالاتر به وسیله تفکر میسر است؛ رمضان با دعوت به سکوت و در نتیجه تشویق به تفکر، بستر رسیدن به مقامات بالا را فراهم می‌کند.

مسئول نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری دانشگاه آزاد استان تهران خاطرنشان کرد: رمضان قدرت اراده را نیز بالا برده و اراده انسان را بر عدم گناه و ارتکاب خطا می‌گذارد و در واقع نوعی تمرین تقویت عزم و اراده است.

رمضان می‌تواند تمرینی برای رشد اخلاص در انسان باشد

همچنین در این نشست، مرتضی جلیلی؛ مسئول نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری دانشگاه آزاد استان تهران گفت: گراره دینی به سه گروه تقسیم می‌شود؛ بخش اعتقاد و باور، احکام و فقه و بخش اخلاق و خلقیات نفسانی. همه روایات و آیات در این سه بخش جا دارند. پیام‌ها در بخش اعتقادات سه گروه توحید، راه‌شناسی و فرجام‌شناسی هستند. در بخش فقهی هم دو گره عبادات و معاملات و در بخش اخلاقی سه گره اخلاق فردی، الهی و اجتماعی وجود دارد.

وی افزود: پیام‌های دینی ماه رمضان همه این گروه‌ها را شامل می‌شود. در بخش اعتقادی، ماه رمضان بهار قرآن است و در این ماه بستر آشنایی با قرآن بهتر مهیاست و ثواب یک آیه برابر با ختم کل قرآن است. مشکل بشریت امروز دور بودن از مفاهیم قرآن و بیراهه‌ها و مشکلات جهان در دور بودن از معارف قرآن است، اما ماه رمضان می‌تواند این دور بودن از معنویات را جبران کند.

مسئول نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری دانشگاه آزاد استان تهران گفت: پیام دوم در رابطه با خداشناسی، مناجات و ادعیه است. دعا و مناجات، قرآن صاعد است و همین ادعیه و مناجات ارتباط با مبدأ هستی و عالم وجود را فراهم می‌سازد. ما در زندگی نیازمند ارتباط با خدا هستیم که این ارتباط از طریق ادعیه و مناجات ممکن می‌شود. دعای سحر، دعای ابوحمزه و... از جمله این ادعیه هستند که انس با این‌ها نوعی پیام اعتقادی است.

جلیلی ادامه داد: در بحث اعتقادی تمرین بندگی بسیار مهم است و انسان باید با استفاده از معارف، هدف خود که رسیدن به بندگی و عبودیت است را بشناسد و از اسارت مادیات و شیطان نجات پیدا کند و به مقام عبودیت خداوند برسد. برای رسیدن به این مقام همه عمر فرصت داریم اما ماه رمضان فرصتی بسیار مناسب برای این امر است.

وی بیان کرد: در بحث راه‌شناسی نیز رمضان پیام ارتباط با ولی و امام را گسترش می‌دهد که بارزترین مصداق این امر، اعمال شب قدر است.

مسئول نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری دانشگاه آزاد استان تهران ادامه داد: در بخش پیام اخلاقی، اخلاق دو بخش رذائل و فضائل اخلاقی دارد که یکی از مهم‌ترین پیام‌های اخلاقی رمضان موضوع صبر است. خداوند در قرآن یکی از ویژگی‌های انسان عابد را صبر عنوان کرده و می‌گوید بندگان رحمان به مقام بالا نمی‌رسند مگر با صبر و تحمل مشکلات.

جلیلی توضیح داد: در معارف دینی صبر به معنی حرکت و تحمل مشکلات و رفع موانع است، ماه رمضان قوت صبر انسان را بالا می‌برد.

وی گفت: ویژگی دیگر، بحث اخلاص است. بستر اخلاص در رمضان بیشتر مهیاست و می‌تواند تمرینی برای رشد اخلاص در انسان باشد و اعمال او را به سمتی ببرد که همواره همراه با اخلاص و با هدف رسیدن به قرب الهی باشد. دیگر پیام رمضان، سکوت است؛ پرحرفی خوب نیست و سکوت، تفکر را به همراه دارد و رسیدن به مقامات معنوی بالاتر به وسیله تفکر میسر است؛ رمضان با دعوت به سکوت و در نتیجه تشویق به تفکر، بستر رسیدن به مقامات بالا را فراهم می‌کند.

مسئول نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری دانشگاه آزاد استان تهران خاطرنشان کرد: رمضان قدرت اراده را نیز بالا برده و اراده انسان را بر عدم گناه و ارتکاب خطا می‌گذارد و در واقع نوعی تمرین تقویت عزم و اراده است.

برش گفت‌وگو

تقیه

در برخی از جلسات ما نیز سواکی‌ها می‌آمدند و برخی از آن‌ها حتی روحانی نما نیز بودند ولی ما متوجه بودیم این‌ها آمده‌اند که گزارش دهند. به همین دلیل اصطلاحاً کانال را عوض می‌کردیم و مثلاً آیات روزه، نماز و امثالهم را می‌گفتیم یا ترجمه می‌کردیم یا درباره لحن و صوت و تجوید و امثال این‌ها صحبت می‌کردیم. با وجود این بین خودمان تشکیلاتی داشتیم و کارهایمان را در آن فضا و از این طریق پی می‌گرفتیم.

ساعتی پای صحبت‌ها و روایت‌های حاج حسین علمی پیشکسوت و مدرس قرآنی

همه چیز برای خدمت به قرآن مهیاست

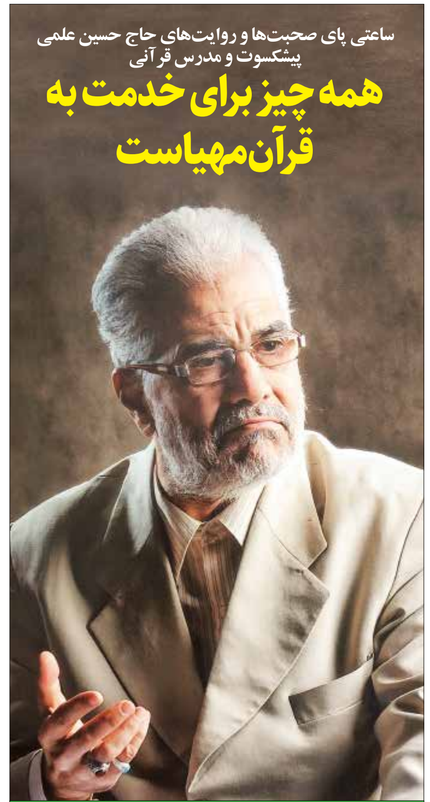

گزیده

از ابوالعینین مصاحبه گرفتم و سؤال کردم نظرت در باره قاری‌های ایرانی چیست؟ چون پیش از خواندن و چند تن از قاریان ایرانی تلاوت کرده بودند. پاسخی به من داد که به نظرم ایرانی‌ها باید به خاطرش شکرگزار خدا وند به خاطر سلمان فارسی و عنایت پیغمبر اکرم(ص) و ائمه(ع) به این مملکت باشند. ایشان در آن زمان در سال ۷۴ یعنی ۲۷ سال پیش گفت: به غیر از هفت هشت قاری که الان مطرح هستند، اگر این‌ها را کنار بگذارم حرف اول را شما ایرانی‌ها می‌زنید.

محسن فاطمی‌نژاد | اگر فیلم‌نامه‌نویسی می‌خواست ماجرای زندگی یک استاد و پیشکسوت قرآنی را برای مدیوم سینما بنویسد، بی‌شک بهترین انتخاب برای نوشتن اولین صحنه می‌توانست همین توضیحی باشد که طرف ما در این گفت‌وگو برای بیان تاریخ دقیق تولدش بیان می‌کند. مردی که هنوز ساعتی از تولد فرزندش نگذشته است، قرآن را باز می‌کند و بر پشت جلد آن تاریخ تولد و نام فرزندش را قلمی می‌کند. شاید بتوان چنین تصویری از پیش‌درآمدی دراماتیک برای عجین شدن نام و زندگی یک کودک تازه متولد شده با قرآن در ادامه زندگی‌اش به حساب آورد. حاج حسین علمی، استاد و پیشکسوت قرآنی همان کودکی است که پدرش، ۷۱ سال پیش و پس از تولد او در نجف تاریخ دقیق یا گذاشتنش به دنیا را این‌طور بر پشت قرآن نوشت: «روز چهارم صفر المظفر ۱۳۷۰ هجری قمری». برای اینکه بدانیم چه چیزهایی اتفاق افتاد تا با ورق خوردن ایام عمر، همه آن کودک را در حال حاضر با عنوان استاد حاج حسین علمی و در قامت یک پیشکسوت و مدرس برجسته قرآن بشناسند، پای روایت خودِ ایشان نشستیم.

■ علاقه‌مندی شما به قرآن و در ادامه بحث قرائت و این‌ها از کجا آغاز شد؟

سال ۱۹۵۴ میلادی زمانی که پادشاه عراق فوت کرد، عبدالباسط برای خواندن قرآن در مراسم او به عراق آمد. من در آن دوران بچه بودم و چهارپنج سال بیشتر نداشتم اما قرائت عبدالباسط عجیب به دلم نشست و همان، نقطه‌ای شد که به این سمت سوق پیدا کنم.

■ اگر بخواهیم کمی به عقب برگردیم، اساساً ماجرای هجرت پدر شما به عراق و نجف اشرف به چه زمانی برمی‌گردد و علت آن چه بوده است؟

من متولد نجف هستم. مرحوم پدرم جزو انقلابیون مسجد گوهرشاد و از مجروحان قیام ۱۳۱۴ گوهرشاد به حساب می‌آمد که در این قیام دستگیر و راهی زندان شد. حتی بنا بر این قرار گرفته بود که ایشان همراه عده دیگری از روحانیون شورشی -به قول رضاشاه- اعدام شوند. به هر ترتیب کمی که اوضاع به هم می‌ریزد، عده‌ای فرار می‌کنند و به سمت بصره و سپس عراق می‌روند که از جمله این افراد مرحوم شیخ بهلول و خیلی‌های دیگر هستند. این را در پرانتز عرض کنم که تفصیل این ماجراها و زندگی‌نامه پدر سال ۱۳۵۸ در مجله‌ای با عنوان «سروش» در ۱۰ صفحه منتشر شده است. به هر حال بعد از این ماجرا با هجرت پدر به نجف و در سالی که عرض شد بنده در این شهر متولد شدم. پدر و مادرم هر دو اردبیلی هستند.

■ جریان بازگشت به مشهد چه سالی اتفاق می‌افتد؟

مرحوم پدر اوایل دهه ۲۰ شمسی (حدود سال ۱۳۲۳) راهی نجف می‌شوند. پس از مقیم شدن در آنجا در حوزه نجف به تدریس مشغول شده و هم درس گفته و هم درس می‌گیرند. اقامت ایشان در این شهر تا سال ۱۳۴۶ طول می‌کشد. سال ۱۳۴۶ در حالی که آن زمان ایشان دیگر مجتهد شده بودند، به مشهد می‌آیند و به درخواست مرحوم آیت‌الله میلانی تصمیم به ماندن در مشهد می‌گیرند. همین می‌شود که چند ماه پس از این ماجرا، ۱۴ خرداد سال ۱۳۴۷ ما وارد ایران شدیم. با اقامت در ایران با زمینه قرآنی و به تناسب شغل خیاطی که داشتند، بیشتر با شاگردان خودم در کارگاه کار می‌کردم و یواش یواش با جلسات حسینیه خیاط‌ها، جلسات استاد حافظیان و مرحوم استاد توسلی و... آشنا شدم.

■ در مقطع منتهی به انقلاب جنس جلسات شما چطور بود؟

ما دو جور جلسه داشتیم، یک‌سری جلسات علنی و دیگری هم مخفی. جلسات علنی ما یکی در قلعه خیابان بود که با موتور دنبال ما می‌آمدند و به جلسات می‌بردند. به لحاظ زمانی این جلسات اواخر دهه ۵۰ بود. یک جلسه نیز در مسجد صحرایی جاده سیمان بود که اوایل انقلاب بدل به کمیته صحرایی شد. جلسه دیگرمان خانگی بود که علنی بود و تابلو هم داشت ولی شاید بتوان گفت نیمه علنی به حساب می‌آمد و در ۲۰ متری المهدی برگزار می‌شد. بقیه جلسه هم خصوصی بود مثلاً جلسه‌ای برای همکاران خیاط خودمان داشتیم. این جلسات در منزل خودم که دو طبقه بود و با جمع ۱۷-۱۶ تن از شاگردانم برگزار می‌شد و به صورت خصوصی با آن‌ها کار می‌کردم. به همین واسطه کم‌کم مسئول جلسه قرآن خیاطان تولیدی (اصطلاحاً سری دوز) نیز شدم.

■ به کار بردن لفظ مخفی و محرمانه برای جلسات به چه معناست؟ صرفاً جلسه خصوصی منظورتان بود یا اینکه اقتضای شرایط انقلاب محدودیت‌هایی را در این خصوص ایجاد می‌کرد که جلسات مخفیانه برگزار شود؟

هم آن بود و هم این. به هر ترتیب در زمان شاه نمی‌شد هر جور صحبتی را در جلسات پیش کشید. مثلاً جلسه‌ای بود که اسم صاحبش را نمی‌آورم تا غیبت نشود ولی به من می‌گفت «فلانی! دوست نداری چراغ این جلسه روشن بماند؟». می‌گفتم «چرا». می‌گفت: «پس حرف نزن». قضیه این‌جور بود.

■ حرفشان این بود فقط قرآن بخوانید؟

فقط قرآن بخوان و برو. دقیقاً ۱۸۰ درجه خلاف نظر امام خمینی‌ای.

■ در مسجد امام حسن(ع) و مسجد کرامت هم جلسه‌ای داشتید یا نه؟

من جلسه نداشتم، جلسه متعلق به استاد سیدمرتضی سادات فاطمی بود. من به عنوان مستمع آزاد می‌رفتم.

■ اینکه اجرای این جلسات را برعهده داشتید مربوط به همان سال‌هاست یا سال‌های پس از انقلاب؟

این جریان مربوط به سال ۶۸ و پس از جنگ تحمیلی است.

■ با تجربه حضوری که در آن سال‌ها به‌خصوص مقطع نزدیک به انقلاب داشتید، خوانشی که از قرآن در این جلسات صورت می‌گرفت، چقدر متأثر از فضای انقلاب و حضور علمایی چون آیت‌الله خامنه‌ای، مرحوم هاشمی‌نژاد و غیره بود؟

آن زمان ایشان ممنوع‌المنبر بودند. ایشان (آیت‌الله خامنه‌ای) می‌آمدند و می‌نشستند و بهانه برای صحبت این بود که کسی سؤالی می‌کرد و ایشان در مقام پاسخ، صحبت می‌کردند. یا مثلاً جلسه دیگری نیز داشتیم که محرمانه و سخنران آن مرحوم آیت‌الله خزعلی بود. ایشان نیز ممنوع‌المنبر بودند و زمانی که برای ایشان صندلی می‌آوردیم تا روی آن بنشینند و صحبت کنند، روی زمین می‌نشستند و سخن می‌گفتند. بعد هم در جواب اصرار ما عنوان می‌کردند من ممنوع‌المنبر هستم و نمی‌توانم و اگر خیلی اصرار کنید از همین نیز محروم خواهم شد.

■ فضای جلسات در سال‌های منتهی به انقلاب چقدر متأثر از جریان نهضت انقلاب اسلامی شده بود؟ تغییرات تا چه حدی بود؟

همه چیز به هم مربوط بود و از آنجایی که نفس امام راحل، الهی بود همچون آفتاب بر همه می‌تابید و با همه کار داشت، همه امام را دوست داشتند و عاشقش بودند. من خودم سال ۴۱ که ایشان را دستگیر و تبعید کردند، با اینکه نوجوان بودم در تظاهرات نجف شرکت کردم و عاشقانه ایشان را دوست داشتم؛ یعنی از سال ۱۳۴۰ که آیت‌الله بروجردی مرحوم شدند، به‌خصوص وقتی روحانیون نجف اوضاع و احوال امام را تعریف می‌کردند. این‌ها موجب شده بود من ندیده عاشق امام شوم.

در مورد جلسات نیز باید عرض کنم در برخی از جلسات ما نیز ساواکی‌ها می‌آمدند و برخی از آن‌ها حتی روحانی نما نیز بودند ولی ما متوجه بودیم این‌ها آمده‌اند که گزارش بدهند، به همین دلیل اصطلاحاً کانال را عوض می‌کردیم و مثلاً آیات روزه، نماز و امثالهم را می‌گفتیم و ترجمه می‌کردیم یا درباره لحن و صوت و تجوید و امثال این‌ها صحبت می‌کردیم. با وجود این بین خودمان تشکیلاتی داشتیم و کارهایمان را در آن فضا و از این طریق پی می‌گرفتیم.

■ نقش خود مشهد چه پیش و چه پس از انقلاب را در بحث تلاوت چطور ارزیابی می‌کنید؟ مشهد چه وزنی را در این حیث داشت؟

پیش از این، جلسات بود ولی محتوای جلسات کم بود. انگشت‌شمار مثل رهبر معظم انقلاب و شهید هاشمی‌نژاد و دیگران تشریف می‌آوردند و مردم را آگاه می‌کردند، اما جلسات قرآن بود و حتی قاریان مصری دعوت می‌شدند. مثلاً از اوایل دهه ۵۰ تا همان اواخر ابوالعینین شعیشع و بن مغربی و دیگران به تهران و مشهد می‌آمدند منتها خیلی تأثیرگذار نبودند و صرفاً صوت و لحن داشتند. پیش از همه این‌ها یک نفر به اسم سید محمد عرب زعفرانی آمد و شاگردان بزرگی مثل مرحوم رضوان، مرحوم حافظیان، مرحوم توسلی و... را تربیت کرد. باز خود این‌ها شاگردانی مثل مرحوم و مرحوم مختاری و بقیه تربیت کردند. همین‌طور این روند ادامه داشت و مثلاً مرحوم مختاری شاگردانی چون مرحوم محمدزاده، استاد سیدمرتضی سادات فاطمی و دیگران را تربیت کردند. این‌ها بود ولی پس از انقلاب به‌خصوص بعد از تصدی ولایت امری رهبر معظم انقلاب به اینجا که رسید، دیدگاه‌ها و نظرات عوض شد؛ دلیلش نیز این بود که خود ایشان قاری بودند و جنگ و مشکلات ملازم آن همچون بودجه و امکانات کم، رفته بود. پایان جنگ و در ادامه، انتخاب ایشان به رهبری سبب عنایت ویژه‌ای به قاریان شود. من همان سال‌ها گفتم پس از این هر کسی بخواهد کم فروشی کند، به قرآن خیانت کرده است چرا که الان همه چیز برای خدمت به قرآن و اسلام و انقلاب مهیاست.

■ فضای فعلی را چطور ارزیابی می‌کنید؟ اینکه عده‌ای می‌گویند محافل و این‌ها کمرنگ شده است؟

الان بعضی‌ها هستند که می‌گویند نزدیک به یک دهه است قرآن کمرنگ شده است و از جهتی نیز حرفشان درست است؛ اما می‌دانید علت آن چیست؟ از آنجایی که مملکت اسلامی، قرآنی و انقلابی شد، چندین شبکه قرآنی و ترتیل و قرائت تلویزیونی و رادیویی راه افتاد و همین سبب شد یک عالقه‌مند به قرائت دیگر به این احتیاج نداشته باشد که برای شنیدن یک قرائت مصری بلند شود از انتهای شهر به وسط شهر بیاید و چهار پنج ساعت در سرما و گرما علاف شود. الان به راحتی کنار تلویزیون یا شبکه تلاوت تماس می‌گیرد و می‌گوید من از مشهد زنگ می‌زنم، لطفاً تلاوت فلان سوره را از فلان قاری برای من پخش کنید. به همین دلیل جلسات، کمی کمرنگ شده است.

■ دورنمای شما به عنوان پیشکسوت قرآنی نسبت به آینده آن در کشور چگونه است؟

سال ۷۴ من مسئول دارالقرآن صداوسیمای مشهد بودم و حاج آقای مسگری نیز معاونت را بر عهده داشتند. با همدیگر میزبان سه قاری مصری یعنی ابوالعینین شعیشع، آقای محمد عبدالوهاب طنطاوی و آقای متولی عبدالعال بودیم. شب در مهدیه مراسم بود. در آن شب از ابوالعینین مصاحبه گرفتم و سؤال کردم نظرت درباره قاری‌های ایرانی چیست؛ چون پیش از خواندن و چند تن از قاریان ایرانی تلاوت کرده بودند. پاسخی به من داد که به نظرم ایرانی‌ها باید به خاطرش شکرگزار خداوند به خاطر سلمان فارسی و عنایت پیغمبر اکرم(ص) و ائمه(ع) به این مملکت باشند. ایشان در آن زمان در سال ۷۴ یعنی ۲۷ سال پیش گفت به غیر از هفت هشت قاری که الان مطرح هستند، اگر این‌ها را کنار بگذارم حرف اول را شما ایرانی‌ها می‌زنید. خب سه نفر از این هشت نفر که خودشان بودند بنیه زیبا آقای شحات، غلوش و... بودند که همه فوت کردند. حالا شما خودتان وضعیت را حساب کنید دیگر.

چندی پیش با شبکه قاهره مصاحبه کردم و از آقای جوانی پرسیدم چه می‌خوانی؟ که گفت: من سبک حامد شاکرنژاد را می‌خوانم. توجه می‌کنید؟ یعنی خداوند این‌قدر لطف کرده که ما داریم حرف اول را می‌زنیم و قاریان بزرگی داریم. غیر از آقای شاکرنژاد مثلاً آقای سیدمحمد جواد حسینی، آقای دکتر جواد فروغی و خیلی‌های دیگر. واقعاً باید بگویم قرآن کریم آیات زندگی و مفاهیم قرآن کریم یک سبک برای زندگی است.

یادداشت شفاهی

درباره استادی که مبدع بسیاری از تحولات قرآنی در کشور شد

نیم قرن خدمت به قرآن

سید سعید سرابی، مدیر عامل مؤسسه جامعه قاریان مشهد | باید اذعان کرد در جریان سازی امر تلاوت و به‌خصوص اینکه امروزه مشهد قطب اصلی تلاوت قرآن در جهان اسلام است، وجود اساتیدی چون استاد حاج حسین علمی و فعالیت ایشان در نیم قرن گذشته بسیار مؤثر بوده است. این استاید در مشهد مقدس تعدادشان کم نیست ولی ویژگی‌هایی در وجود ارزشمند استاد حاج حسین علمی وجود دارد که به نظرم ذکر چند مورد از آن‌ها در این چستار، خالی از لطف نیست.

استاد علمی که من از سه دهه پیش و زمانی که دوران تأسیس جامعه قاریان قرآن مشهد بود به محضرشان ارادت دارم از استوانه‌ها و افرادی هستند که در شکل گیری جامعه قاریان قرآن مشهد در همان سال‌های دهه ۶۰ نقش بسزایی داشتند. شاید ایشان در چهار پنج دوره اول هیئت مدیره جامعه قاریان قرآن مشهد که آن موقع به آن شورای مرکزی می‌گفتند، عضو هیئت مدیره و عضو منتخب هیئت مدیره در بین قاریان مشهدی بودند و از این نظر یکی از خدمات ارزشمند ایشان و اساتید و پیشکسوتان در سال‌های پس از پیروزی شکوهمند انقلاب و سال‌های ابتنهای جنگ تحمیلی به هر ترتیب شکل گیری این تشکیلات در مشهد مقدس بوده که بعدها پایه‌گذار بسیاری از تحولات قرآنی در کشور می‌شود.

اگر بخواهیم ویژگی‌های شخصیتی ایشان را مورد بحث قرار دهیم، یکی از ویژگی‌های مهم، قدرت ارتباطات و روابط عمومی است که ایشان در تخالف با مخالفان و ناشگران و جامعه قرآنی دارند. شاید بتوان ایشان را از جمله کسانی ذکر کرد که بیشترین ارتباط را بین اساتید یا نوجوانان و جوانان داشته و دارند. استادی در سطح و تراز ایشان که یک استاد ملی و بین‌المللی است معمولاً در ارتباط با نوجوان‌ها که آن قدر نخبه نیستند یک جور محظوریت‌ها قائل می‌شود ولی استاد حاج حسین علمی همواره در این امر به‌خصوص توجه به نوجوانان، توجه ویژه دارند. همین سبب شده بود سال‌های سه دهه قبل بین نخبگان قرآنی و کسانی که علاقه‌مند به قرآن بودند، شاگردی ایشان یک افتخار به حساب بیایید و حتی در آن رقابت وجود داشته باشد. حتی شاگردی ایشان نوعی امتیاز و افتخار برای قاری نوجوان محسوب می‌شد. همین روحیه ایشان سبب پرورش استعدادهای نخبه‌ای در طول این سال‌ها شد که تعدادشان نیز زیاد است و امثال آقای دکتر حاج جواد فروغی و بسیاری از نخبگان قرآنی دیگر نتیجه همین شاگردپروری و روش‌های خوب ایشان در ارتباط گیری با جوانان و نوجوانان است.

به یاد دارم در سال‌های ۶۹ و ۷۰ که در سن و سال نوجوانی قرار داشتم، به‌شدت علاقه‌مند بودم در جلساتی که ایشان در مسجد کرامت اجرا می‌کردند حضور داشته باشم. یکی از جاذبه‌ها برای من در ماه مبارک رمضان این بود در حالی که به‌واسطه تحصیل باید صبح‌ها به مدرسه می‌رفتم به خانواده اصرار می‌کردم اجازه بدهند من به جلساتی که اجرایش به عهده استاد علمی بود بروم.

از امتیازات دیگری که باید آن را از ویژگی‌های خاص حاج حسین علمی دانست این است که ایشان به غیر از شأن استادی و مهارت‌هایشان در امر تلاوت قرآن و علوم و فنون قرائت، هنری به نام هنر اجرا و جلسه‌داری قرآنی داشته و دارند که از این حیث نیز منحصربه‌فرد هستند. اساساً این محافل «انس با قرآن» و مراسم «شبی با قرآن» در کشور از ابداعات همان دوره سال‌های دهه ۶۰ و ۷۰ جامعه قاریان قرآن مشهد و استاد حاج حسین علمی است. پس از شکل گرفتن این محافل انس با قرآن و شبی با قرآن در مشهد، این محافل در ادامه در کشور گسترش پیدا می‌کند و امروز ما با مفهومی با عنوان محفل انس با قرآن و شبی با قرآن مواجهیم. تا پیش از آن اصلاً این مفاهیم وجود نداشت و آنچه بود «دوره‌های قرآن» بود. قطعاً این از ابتکارات است که در آن دوره و با همین نحوه و سبک اجرای حاج حسین علمی ایجاد شد و مطمئنم بعداً نیز بسیاری از جلسات و محافل قرآنی و بسیاری از قاریان و اساتیدی که در امر اجرای جلسات قرآن در کشور شاخص هستند متأثر از روش‌های جلسه‌داری استاد حسین علمی شدند. از این نظر ایشان منحصربه‌فرد هستند و نظیر دیگری در کشور برای ایشان سراغ نداریم. هر چند همان‌طور که اشاره کردم بعداً افرادی متأثر از ایشان این روش‌ها را آموختند و گسترش دادند و حتی تغییراتی در